

بررسی تأثیر بی ثباتی اقتصادی با تأکید بر کسری (مازاد) بودجه بر رشد اقتصادی در ایران

مجید دلاوری

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اهواز

سجاد بصیر*

کارشناس ارشد علوم اقتصادی

چکیده:

دست یابی به نرخ رشد اقتصادی بالا یکی از اهداف مهم هر نظام اقتصادی به شمار می‌رود. امروزه اقتصاددانان پذیرفته اند که ثبات اقتصادی یک شرط لازم ولی نه کافی، برای رشد اقتصادی بالاست در حالی که بی ثباتی اقتصادی یکی از عوامل مهمی است که افقهای رشد اقتصادی را محدود می‌کند. هدف از این مقاله بررسی چگونگی تأثیر گذاری سه متغیر وضعیت بودجه دولت، نرخ تورم و حاشیه نرخ ارز به عنوان شاخص‌های ثبات اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشور می‌باشد. برای دست‌یابی به هدف مورد نظر از مطالعه تجربی صورت گرفته در کشور اسپانیا، مدل سانچز (۱۹۹۸)، استفاده شده است.

نتایج نشان می‌دهد که تأثیر نسبت کسری بودجه واقعی دولت به GDP بر نرخ رشد اقتصادی طی دوره مورد مطالعه (۱۳۵۲-۱۳۸۵)، در کوتاه مدت و بلند مدت منفی و معنی دار می‌باشد همچنین تأثیر نرخ تورم و حاشیه نرخ ارز بر نرخ رشد اقتصادی در ایران منفی می‌باشد. طی دوره مورد مطالعه نیز تأثیر نسبت مخارج مصرفی دولت به GDP بر رشد اقتصادی منفی و بالاخره تأثیر نسبت مخارج سرمایه گذاری دولت به GDP بر رشد اقتصادی مثبت ارزیابی می‌شود. از آنجا که تأثیر هر سه شاخص بی ثباتی بر رشد اقتصادی در ایران منفی می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت که بی ثباتی اقتصادی یکی از عوامل مهمی است که چشم انداز رشد اقتصادی را تاریک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: کسری بودجه، تورم، حاشیه نرخ ارز، رشد اقتصادی

طبقه بندی JEL: H۶۲, E۳۱, F۳۱, O۴۷

The Analysis of effect of economic instability (with emphasis on budget deficit (surplus) on economic growth in Iran.

Majed Delavare

PhD of Islamic Azad University of Ahvaz

Sajad Basir

Master of economics

Abstract

To day reaching a high economic growth rate is one of the main and important aim of any economic system. Today the economists accept that economic stability is a necessary issue, but is not enough for the economic growth, while economic instability is one of the main elements, which restrict economic growth. The aim of this research is analysis of the effect of stability index of economy on economic growth in the country and to reach the mentioned aim Spain has been used.

The main results obtained are as follows : The effect of real Budget Deficit ratio to GDP on economic growth rate at the time of study (۱۹۷۳-۲۰۰۶) on short and long run is negative and meaningful. The effect of inflation and exchange rate has negative impact on the economic growth of Iran during the study the short and long run .During the study the effect of government consumption expenses ratio to GDP on economic growth is negative and finally the effect of government Investment expenses to GDP on economic growth is positive. In as much the effect each of three indexes economical instability on economic growth of Iran has been negative and the result show

Keywords: Budget deficit, Inflation, exchange rate. Economic growth

JEL: H۶۲, E۳۱, F۳۱, O۴۷

۱- مقدمه

امروزه دست یابی به نرخ رشد اقتصادی بالا یکی از اهداف مهم هر نظام اقتصادی به شمار می رود. رشد اقتصادی بالا به خاطر اینکه راه حل بسیاری از معضلات اقتصادی از جمله فقر، توزیع نامناسب درآمد و... تلقی می گردد و موجب افزایش رفاه جامعه می شود، به عنوان یک هدف سیاستی مهم و نشانه‌ای از قدرت کشورها نیز تلقی می شود. در مباحث مربوط به رشد و توسعه

اقتصادی مسأله بی‌ثباتی اقتصادی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. این موضوع در بحث‌های مربوط به رشد و توسعه پایدار، اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. زیرا با درک صحیح و شناخت درست ماهیت و علل بی‌ثباتی می‌توان در جهت رفع و یا هدایت آن به بخش‌هایی که اثرات جانبی کمتری به بار می‌آورد و نیز از پیامدهای زیانبار آن بر کل اقتصاد جلوگیری کرده و یا آن را محدود نمود. در ادبیات اقتصادی، از چندین دهه گذشته تا به حال بحث رشد اقتصادی، حوزه پویای مطالعات و تحقیقات اقتصاد کلان را به خود اختصاص داده است. اقتصاددانان پیوسته در تلاش هستند تا با استفاده از مدل‌سازی نظری و تجزیه و تحلیل تجربی، عوامل مؤثر بر رشد را شناسایی کنند. در این مقاله، تأثیر بی‌ثباتی اقتصادی بر تأکید بر کسری (مازاد) بودجه بر رشد اقتصادی برای سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۲ بر اساس روش‌های نوین اقتصادسنجی بررسی شده است. سپس شرایط محیط اقتصاد کلان را طی دوره مورد مطالعه بررسی کرده تا بینیم در طی این سال‌ها نحوه مدیریت دولت در اجرای سیاست‌های خود که به عنوان ابزارهای سیاستی دولت محسوب می‌شوند، چگونه بوده است و در آخر نتایج به‌دست آمده بررسی، تجزیه و تحلیل و ارزیابی خواهند شد.

۲- مروری بر مطالعات انجام شده

مطالعات تجربی زیادی در مورد مخارج دولت و رشد اقتصادی انجام شده است. به طور مثال می‌توان به مطالعات لاند (Landa, ۱۹۸۶)، بلیجر و خان (Blejer & Khan, ۱۹۹۴) و... اشاره کرد که نتیجه کلی مطالعات مزبور وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین مخارج دولت و رشد اقتصادی می‌باشد. اما در رابطه با کسری بودجه و رشد اقتصادی مطالعات کمتری صورت گرفته است که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود. اسنر و پیپر (Eisner & Piepre, ۱۹۸۴) و اسنر (Eisner, ۱۹۸۶) نقش بدهی‌های دولت و اثر آنها را در سمت واقعی اقتصاد مورد توجه قرار داده‌اند و رگرسیون ساده‌ای را برای ایالات متحده برآورد کرده و به این نتیجه رسیدند که کسری‌های دولت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد.

مارتین و فاردمانش ارتباط منفی و معناداری را تنها برای کشورهای با درآمد متوسط پیدا کرده‌اند. (Martin & Manesh, ۱۹۹۰) دارت و سلیمان با به کارگیری مدل خود بازگشتی برداری

دریافتند که کسره‌های دولتی صرف نظر از اینکه با تورم تصحیح شوند یا نه، اثر معناداری بر رشد اقتصادی دارند. (Darrat & Suliman, ۱۹۹۲)

جدول (۱): خلاصه مطالعات انجام شده منتخب در زمینه کسری بودجه و رشد اقتصادی

ردیف	تحقیق	موضوع تحقیق	سال تحقیق	نتیجه گیری
۱	سعید عیسی‌زاده	بررسی تجربی رشد اقتصادی و سیاست‌های اقتصادکلان در ایران	۱۳۷۴	کسری بودجه ارتباط منفی و معناداری با رشد درآمد ناخالص داخلی دارد.
۲	افسانه موسوی آزار کسمائی	بررسی رابطه بین کسری بودجه و رشد اقتصادی در ایران طی دوره (۵۷-۱۳۴۲)	۱۳۷۷	سیاست کسری بودجه در کوتاه‌مدت منجر به افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌شود ولی در بلند مدت تنها منجر به افزایش تورم می‌شود.
۳	مصطفی رضوی زاده	بررسی تجربی بین کسری بودجه و رشد اقتصادی در ایران طی دوره (۸۱-۱۳۳۸)	۱۳۸۳	به این نتیجه رسیدند که سیاست کسری بودجه در کوتاه‌مدت منجر به افزایش تولید می‌شود ولی در بلندمدت هیچ اثری روی متغیرهای اقتصادی از جمله تولید اشتغال نداشته و تنها منجر به افزایش تورم می‌شود.
۴	استرلی وریبلو	سیاست مالی و رشد اقتصادی	۱۹۹۳	مازاد بودجه دولت با رشد اقتصادی همبستگی دارد و ارتباط کسری بودجه و رشد اقتصادی را منفی و معنادار توصیف می‌کند.
۵	فیشر	نقش عوامل کلان اقتصادی در رشد	۱۹۹۳	نتیجه می‌گیرد که متوسط اثر کسری بودجه به GDP به رشد اقتصادی حدود ۲۲- در صد می‌باشد.
۶	اسنرو پیپر	کسری بودجه و رشد اقتصادی در ایالات متحده	۱۹۸۴	نقش بدهی‌های دولت و اثر آنها را در سمت واقعی اقتصاد مورد توجه قرار دادند و نتیجه گرفتند که کسری‌های دولت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد.
۷	دی هان و زلهورتس	رابطه بین کسری واقعی و رشد واقعی در ایالات متحده	۱۹۸۸	این دو محقق عقیده اسنرو و پیپر را مورد بررسی مجدد قرار دادند و دریافتند که نتایج اسنرو و پیپر برای اقتصاد آمریکا قوی نمی‌باشد؛ یعنی اثر معناداری از کسری واقعی روی رشد اقتصادی وجود ندارد.
۸	دارت و سلیمان	رابطه بین کسری واقعی و رشد واقعی	۱۹۹۲	کسری‌های دولت اثر معناداری بر GDP واقعی دارند.
۹	اسنرو و پیپر	رابطه بین کسری واقعی و رشد اقتصادی	۱۹۹۲	افزایش کسری‌های واقعی بطور مثبت با تغییر در GDP واقعی همراه است.
۱۰	دی هان و استرم	رابطه بین کسری واقعی و رشد اقتصادی	۱۹۹۵	سیاست مالی اثر منفی بر رشد اقتصادی واقعی دارد.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در رابطه با بی ثباتی اقتصادی و رشد اقتصادی مطالعات تجربی زیادی انجام شده است. به طور

مثال می‌توان به مطالعات کورمندی و مگوایر^۱ (Kormendi & meguire, ۱۹۸۵)، هاجیمی خایل، قارا، ماهلا یسن، نورد و اُسِر^۲ (Hadjimichael & Ghura & Muhleisen & Nord & User, ۱۹۹۴)، سانچر^۳ (Sanchez, ۱۹۹۸) و مصطفی اسمیحان^۴ (Ismihauns, ۲۰۰۳) اشاره کرد.

کورمندی و مگوایر در مقاله‌ای با عنوان عوامل کلان اقتصادی تعیین‌کننده رشد، مطالعه خود را برای ۴۷ کشور به صورت ادغام داده‌های مقطعی و سری زمانی برای سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که اکثر متغیرها هم از طریق تأثیر روی سطح سرمایه‌گذاری و هم از طریق تأثیر روی بهره‌وری سرمایه‌گذاری رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (Kormendi & meguire, ۱۹۸۵)

هاجیمی خایل و دیگراندر مطالعه خود با عنوان تأثیرات ثبات در اقتصاد کلان بر پس‌انداز سرمایه‌گذاری و رشد در تعدادی از کشورهای صحرای آفریقا به این نتیجه رسیده‌اند که ثبات اقتصادی از طریق تأثیرات سودمندی که بر روی پس‌اندازهای داخلی، سرمایه‌گذاری خصوصی و بازدهی سرمایه‌گذاری بر جای می‌گذارد، نرخ‌های رشد بالاتری را موجب می‌شود.

(Hadjimichael & Ghura & Muhleisen & Nord & User, ۱۹۹۴)

سانچر در مطالعه خود با عنوان ثبات اقتصادی و رشد اقتصادی در اسپانیا به بررسی ارتباط بین ثبات اقتصادی و رشد اقتصادی می‌پردازد. روش استفاده شده در مطالعه وی همجمعی و تصحیح خطا می‌باشد. شاخص‌های ثبات اقتصادی در مطالعه مذکور شاخص نرخ تورم، نسبت کسری بودجه دولت به GDP، نسبت مخارج کل دولت منهای سرمایه‌گذاری به GDP، حاشیه نرخ ارز در بازار سیاه و تفاوت نرخ تورم در کشور اسپانیا با متوسط نرخ تورم در کشورهای OECD در نظر گرفته شد. نتایج مطالعه سانچر نشان می‌دهد که طی دوره مورد مطالعه یک ارتباط منفی قوی بین متغیرهای جانشین بی‌ثباتی اقتصادی با رشد اقتصادی در کشور اسپانیا وجود دارد.

(Sanchez, ۱۹۹۸)

۱- Kormendi & Meguire

۲- Hadjimichael & Ghura & Muhleisen & Nord & User

۳- Sanchez

۴- Mustafa Ismihauns

مصطفی اسمیحان در مطالعه خود به بررسی تجربی ارتباط بین بی ثباتی اقتصادی، انباشت و رشد سرمایه در کشور ترکیه می‌پردازد. وی نتیجه می‌گیرد که عدم تعادل اقتصادی (بی ثباتی اقتصادی) مانع جدی سرمایه‌گذاری عمومی بوده و ارتباط این دو را در بلندمدت معکوس کرده است. (Ismihauns, ۲۰۰۳)

گرچی و مدنی در مقاله‌ای به بررسی نقش ثبات اقتصادی بر عملکرد رشد اقتصادی ایران با روش سیستم مطالعات هم‌زمان پرداخته‌اند. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که بی ثباتی در ایران مانعی برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی محسوب شده و سه متغیر کسری بودجه، نرخ تورم و حاشیه نرخ ارز که به عنوان شاخص‌هایی از نحوه مدیریت دولت در سیاست مالی، پولی و ارزی می‌باشد نتوانسته‌اند در سرمایه‌گذاری تأثیر مثبتی داشته باشند و در بین متغیرهای بی ثباتی، نرخ تورم بیش از بقیه متغیرها در کاهش سرمایه‌گذاری اثرگذار بوده است. (Gorji & madani, ۲۰۰۳)

۳- دیدگاه‌های مختلف در خصوص اثرات کسری بودجه

امروزه نقشی را که دولت‌ها در اقتصاد ایفا می‌کنند و همچنین توانایی دولت‌ها در ایجاد یک محیط مساعد برای رشد، در ادبیات توسعه به میزان زیادی مورد توجه قرار گرفته است. مضافاً این نوشته‌ها بسیار متعدد و بحث‌برانگیز هستند. به عقیده آدام اسمیت، کسری بودجه باعث انحراف منابع از صنعت و بازرگانی به سمت دولت می‌گردد و دیگر این منابع کارایی لازم را نخواهند داشت چون منابع بازرگانی نسبت به حالتی که در اختیار دولت قراردارند بازدهی بیشتری دارند. در خصوص اثرات اقتصادی کسری بودجه دو دیدگاه عمده وجود دارد. دیدگاه سنتی و دیدگاه طرفداران نظریه برابری ریکادویی. ابتدا آثار کسری بودجه بر متغیرهای کلان اقتصادی از منظر این دو دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- طرفداران دیدگاه سنتی

از نظر طرفداران دیدگاه سنتی که مورد تأیید بسیاری از اقتصاددانان از جمله کلاسیک‌ها است، کاهش در مالیات‌ها باعث افزایش در مصرف جاری خواهد شد؛ بالا رفتن مصرف بر سیستم اقتصادی اثر خواهد گذاشت و در کوتاه‌مدت افزایش مصرف موجب افزایش تقاضای کل می‌شود. بنابراین سطح تولید و اشتغال زیاد می‌شود. دیدگاه مرسوم نئوکلاسیک در مورد کسری

بودجه بر این باور است که کاهش در مالیات به افزایش در مصرف منجر می‌شود. پس انداز بخش خصوصی متناظر با کسری بودجه افزایش نمی‌یابد و پس انداز ملی کاهش می‌یابد. دلیل منطقی افزایش تقاضای مصرف‌کنندگان این است که وقتی سیاست کسر بودجه اعمال می‌شود و مالیات را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کند، مصرف‌کنندگان (که در یک دوره زمانی محدود قرار دارند) احساس می‌کنند که ثروت آنها افزایش یافته است و بنابراین مصرف خود را افزایش می‌دهند.

۳-۲- دیدگاه برابری ریکاردویی

دیدگاه دیگر در خصوص کسری بودجه نظریه ریکاردین‌هاست که به برابری ریکاردویی^۱ معروف است. دیدگاه مذکور نخستین بار توسط دیوید ریکاردو^۲ مطرح گردید و در نهایت این نظریه توسط رابرت بارو^۳ تکمیل شد. این نظریه بر اساس دو فرض انتظارات عقلایی مبنی بر اینکه خانوارها آینده‌نگر هستند و فرض افق دید خانوارها که تا زمان وضع مالیات می‌باشد، شکل گرفته است. براساس این دیدگاه کسری بودجه مهم نیست و مادامی که مخارج دولت ثابت باشد و هیچ محدودیتی در قرض گرفتن وجود نداشته باشد، پس انداز ملی از کاهش در مالیات جاری متأثر نمی‌شود. بارو در این باره چنین استدلال می‌کند که تخفیف مالیاتی با یک افزایش مالیاتی معادل در آینده همراه خواهد بود و کسری بودجه به وجود آمده، تأثیری در اقتصاد نخواهد داشت. طبق فرضیه ریکاردو، وقتی دولت اوراق قرضه را برای تأمین مالی کسری بودجه منتشر می‌کند، این اوراق به منزله یک دارایی برای دارنده آن می‌باشد. از طرف دیگر این اوراق قرضه نشان دهنده یک بدهی برای خانوارهایی است که توسط دولت برای رهایی از این به خود آنها مالیات می‌بندد. اگر این دارائی‌ها و بدهی‌ها بطور نسبی همدیگر را خنثی کنند، دیگر خانوارها با انتشار اوراق قرضه دولتی و نگهداری توسط آنها خود را ثروتمندتر نمی‌دانند. بنابراین مصرف، تحت تأثیر کسری بودجه قرار نمی‌گیرد. لذا تخفیف مالیاتی که مخارج کل را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد هیچ

۱- Ricardian Equivalence

۲- David Ricardo

۳- Robert Barro

تأثیری روی پس انداز ملی نخواهد داشت.

با این وجود، گروهی از اقتصاددانان براین باورند که با توجه به آمار و ارقام کسری بودجه و مخارج مصرفی در اقتصاد ایران، می‌توان اظهار داشت که ساختار کسری بودجه در ایران از دیدگاه سنتی پیروی می‌کند، زیرا کسری بودجه ناشی از افزایش مخارج دولت با کاهش مالیات سبب گردیده است که از طریق افزایش در مخارج مصرفی که بیش از ۵۰ درصد درآمد ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد، سایر متغیرهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچند که در سال‌های اخیر به دلیل اهمیت استقراض، دیدگاه‌های جدید تأمین مالی از طریق اوراق مشارکت و استقراض از مردم مورد توجه قرار گرفته که این گرایش‌ها تا اندازه‌ای به دیدگاه ریکاردویی نزدیک شده است.

۴- محیط اقتصاد کلان ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۲

با توجه به تعاریفی که در مطالعات گذشته انجام شده است^۱ می‌توان با بررسی و ارزیابی سه شاخص کسری بودجه، نرخ تورم و حاشیه نرخ ارز به وجود ثبات و یا بی‌ثباتی در یک اقتصاد پی برد.

الف: همان‌طور که در جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود به جز سال‌های (۱۳۷۵-۱۳۷۳) که دولت مازاد بودجه داشته است در سال‌های باقیمانده دولت با کسری بودجه مواجه بودجه است. از جمله مهم‌ترین دلایل کسری بودجه دولت در این سال‌ها عدم تحقق درآمد پیش‌بینی شده برای نفت (در اکثر سال‌ها)، عدم تحقق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها و افزایش پرداخت‌های دولت به‌ویژه در سال‌های جنگ اشاره کرد. از طرف دیگر اصلی‌ترین دلیل مازاد بودجه در این سال‌ها افزایش درآمدهای نفتی بوده است. دلایل فوق‌گویی و وابستگی زیاد بودجه دولت به درآمد نفت است که نوسان‌های قیمت آن در بازارهای جهانی بودجه دولت را با کسری یا مازاد مواجه می‌کند.

ب: در دوره ۱۳۵۶-۱۳۵۲ افزایش قیمت نفت و به دنبال آن افزایش درآمدهای ارزی ناشی از

۱- مانند فیشر (۱۹۹۳) و سانچز (۱۹۹۸)

صادرات نفت، منجر به افزایش شدید نقدینگی شد. این مسأله همراه با افزایش اعتبارات به بخش‌های مختلف، تقاضای داخلی را به شدت افزایش داد اما، به دلیل ظرفیت محدود کشور برای جذب این دلارها و عدم تعادل بین عرضه و تقاضای کل، در نهایت تورم شدیدی را به وجود آورد. اقتصاد ایران بعد از دوره، دوره جدید را در شرایطی آغاز می‌نماید که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص روندی کاهشی دارد. تشکیل سرمایه ثابت داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ در سال ۱۳۵۵، به میزان قابل توجهی نسبت به سال قبل افزایش یافت، و لیکن از این سال به بعد یک روند کاهشی آغاز می‌شود، و در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ رشد منفی پیدا می‌کند، یعنی نه تنها سرمایه جدیدتری انباشته نمی‌شود، بلکه مقداری از موجودی قبلی مستهلک شده یا بخشی از آن از بین می‌رود. شروع جنگ ایران و عراق در شهریورماه ۱۳۵۹ ضربه دیگری به پیکره اقتصاد ایران وارد آورد. به دنبال این جنگ، تحریم اقتصادی و کمبود کالا، ضرورت سهمیه بندی در کالاها و توزیع کوپنی آنرا ایجاب می‌کرد. افزایش نقدینگی واقعی در نخستین سالهای جنگ ایران و عراق که ناشی از کسری‌های بودجه دولت است نرخ تورم را از ۱۱ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۶۰ رساند. به دنبال این حوادث در سال ۱۳۶۵، اقتصاد ایران وقوع تورم مزمن را تجربه می‌نماید. کاهش شدید قیمت نفت در سال ۱۳۶۵، درآمدهای ارزی دولت را به طرز نگران کننده ای کاهش داد. این کاهش شدید درآمدهای ارزی نرخ تورم را به رغم کنترل قیمت‌ها از حدود ۷ درصد در سال ۱۳۶۴ تا ۲۳/۷ درصد در سال ۱۳۶۵ بالا برد. طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ اقتصاد ایران دوران با ثباتی را پشت سر می‌گذارد. با گذشت این دوران با ثبات، اقتصاد ایران در دوره ۱۳۷۲-۱۳۷۰ با اعمال سیاست‌های نامناسب در بخش‌های مختلف به خصوص با اعمال سیاست‌های ارزی نامناسب راه را برای ایجاد بحران جدیدی در اقتصاد ایران باز نمود. بسته‌سیاستی این دوره شامل سیاست‌های انبساطی پولی و مالی و حرکت در جهت تک‌نرخ کردن ارز و آزاد سازی واردات است. فرا رسیدن موعد سررسید استقراض خارجی و عدم کارایی‌های موجود در بخش‌های تولیدی، رشد تولید را کاهش و در کنار آن اعمال سیاست‌های پولی و مالی انبساطی فشارهای تورمی را افزایش داد. درآمدهای نفتی از اواخر سال ۱۳۷۲ شروع به کاهش نمود و بازپرداخت بدهی‌های کوتاه مدت و بلندمدت را که سررسید آنها عمدتاً در سال ۱۳۷۳ بود با اشکال روبرو کرد. بسته تعدیل اقتصادی که در برنامه اول اجرا شد، قرار بود تا حدودی ساختارهای مشکل ساز اقتصاد را ترمیم نماید، اما بسیاری از محورهای آن یا عقیم ماند یا اجرا نشد

از جمله این سیاست‌های ناموفق می‌توان به خصوصی سازی و طرح‌های تعدیل نیروی انسانی در بخش دولتی اشاره کرد که موفقیت آمیز نبودند. مجموعه این شرایط باعث شد اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۴ نرخ تورم بی سابقه‌ای را به میزان حدود ۵۰ درصد را تجربه نماید. از خرداد ۱۳۷۴ در یک اقدام ضربتی دولت نرخ ارز را تثبیت و بازار غیر رسمی را غیر قانونی اعلام کرد و با تعیین دو نرخ رسمی و صادراتی ۱۷۵۰ و ۳۰۰۰ ریال در تثبیت قیمت‌ها کوشید. همچنین سعی شد با اعمال کنترل اعتبارات بانکی و نیز کاهش قدرت وام دهی بانک‌ها، حجم نقدینگی کنترل و عملاً سیاست‌های پولی انقباضی اعمال شود. با اعمال سیاست‌های مورد نظر نرخ تورم در سال ۱۳۷۵ به ۲۳/۳ درصد رسید. نرخ تورم که بعد از اعمال سیاست‌های تثبیت فروکش کرده بود در سال ۱۳۷۶ به ۱۷/۳ درصد رسید، ولی در سال ۱۳۷۷ به ۱۸/۳ درصد افزایش یافت. این روند صعودی قیمت‌ها در سال ۱۳۷۸ نیز ادامه یافت به گونه‌ای که نرخ تورم ۲۰/۱ درصدی در این سال مشاهده شد. آثار تحرک اقتصادی که در اواخر سال ۱۳۷۸ نمایان شد، در سال ۱۳۷۹ بیشتر جلوه نمود. در این سال نرخ تورم به ۱۲/۶ درصد رسید. همچنین نرخ تورم در سال ۱۳۸۰ به ۱۱/۴ درصد رسید و دلیل کاهش آن نسبت به سال ۱۳۷۹ اثرات مثبت افزایش درآمدهای ارزی بر وضع مالی دولت، ادامه روند بهبود تراز پرداخت‌ها، افزایش واردات و عرضه کالاها و خدمات، رعایت انضباط مالی از سوی دولت و همچنین افزایش اعتماد عمومی نسبت به ثبات اقتصادی کشور و کاهش انتظارات تورمی بوده است. تورم در سال ۱۳۸۱ به ۱۵/۸ درصد رسید که عمدتاً ناشی از اثرات تأخیری رشد بالای نقدینگی در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و تأثیر رشد نقدینگی در سال ۱۳۸۱ می‌باشد. در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری به ترتیب به ۱۵/۶ و ۱۵/۲ رسید که بخش قابل توجهی از افزایش قیمت‌ها ناشی از افزایش قیمت‌های اداره شده، اتکاء شدید بودجه دولت به عواید نفت، انتظارات تورمی، رشد نقدینگی و افزایش قیمت تمام شده محصولات داخلی بوده است. نرخ تورم در سال ۱۳۸۴ به ۱۲/۱ درصد رسید از جمله عواملی که در کاهش نرخ تورم در این سال تأثیر داشته اند می‌توان به افزایش واردات کالاها، مصرفی، اجرای طرح تثبیت قیمت‌ها، کاهش رشد اجاره بهای منازل مسکونی به رکود بازار مسکن، کاهش رشد نرخ بهره مؤثر تعرفه و رشد عرضه محصولات کشاورزی به دلیل شرایط نامساعد جوی و کاهش انتظارات تورمی به دلیل ثبات نرخ ارز اشاره نمود. همچنین نرخ تورم در سال ۱۳۸۵ به ۱۳/۶ درصد رسید که علت افزایش آن نسبت به سال قبل ریشه درتنگناهای ساختاری اقتصاد

کشور دارد. اتکای شدید منابع بودجه دولت به عواید نفت، انتظارات تورمی جامعه، نقدینگی انباشته و نهایتاً افزایش هزینه عوامل تولید و کسش قیمتی پایین عرضه محصولات کشاورزی از جمله این تنگناها می‌باشند. (خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی، سالهای مختلف).

جدول (۲): روند متغیرهای کسری بودجه، نرخ تورم و حاشیه نرخ ارز در ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۲

سال	کسری بودجه	نرخ تورم	حاشیه نرخ ارز	سال	کسری بودجه	نرخ تورم	حاشیه نرخ ارز	سال	کسری بودجه	نرخ تورم	حاشیه نرخ ارز
۱۳۵۲	-۱۱۰	۱۱.۲	۰	۱۳۶۴	-۶۴۷	۶.۹	۵۲۶	۱۳۷۶	-۳۰۵۹.۹	۱۷.۳	۳۰.۲۷
۱۳۵۳	-۱۱۶.۹	۱۵.۵	۰	۱۳۶۵	-۱۴۴۹.۵	۲۳.۷	۶۶۵	۱۳۷۷	-۱۷۰۹۸.۳	۱۸.۱	۴۷۱۳
۱۳۵۴	-۱۹۳.۸	۹.۹	۰	۱۳۶۶	-۱۴۶۹.۱	۲۷.۷	۹۲۱	۱۳۷۸	-۴۴۳.۹	۲۰.۱	۶۸۷۹
۱۳۵۵	-۱۶۹.۸	۱۶.۶	۰	۱۳۶۷	-۲۱۲۵.۲	۲۸.۹	۸۹۷	۱۳۷۹	-۴۰۸۴.۸	۱۲.۶	۶۳۷۶
۱۳۵۶	-۴۵۸	۲۵.۱	۰	۱۳۶۸	-۱۱۴۲.۱	۱۷.۴	۱۱۳۵.۱	۱۳۸۰	۱۸۱.۸	۱۱.۴	۶۱۷۰
۱۳۵۷	-۶۰۸.۹	۱۰	۳۰	۱۳۶۹	-۴۱۸.۶	۹	۱۳۴۵.۴	۱۳۸۱	-۳۷۱۶۸.۶	۱۵.۸	۳۳
۱۳۵۸	-۵۲۸.۳	۱۱.۴	۷۱	۱۳۷۰	-۱۱۵۷.۳	۲۰.۷	۱۳۵۲.۴	۱۳۸۲	-۴۴۱۸۷.۴۹	۱۵.۶	۴۱
۱۳۵۹	-۹۷۲.۵	۲۳.۵	۱۲۹	۱۳۷۱	-۸۷۲.۳	۲۴.۴	۳۹.۵	۱۳۸۳	-۴۹۲۲۹.۱۶	۱۵.۲	۲۸
۱۳۶۰	-۹۳۷	۲۲.۸	۱۹۰	۱۳۷۲	-۶۳۶.۲	۲۲.۹	۱۵۳	۱۳۸۴	-۶۰۸۵۳.۴	۱۲.۱	۱۹
۱۳۶۱	-۶۶۵.۵	۱۹.۲	۲۶۶	۱۳۷۳	۳۳۲.۱	۳۵.۲	۸۸۵	۱۳۸۵	-۱۴۷۴۳۱.۱۵	۱۳.۶	۳۱
۱۳۶۲	-۸۹۸.۶	۱۴.۸	۳۶۳	۱۳۷۴	۲۴۴.۵	۴۹.۴	۲۲۸۶				
۱۳۶۳	-۶۳۸.۸	۱۰.۴	۴۸۸	۱۳۷۵	۳۳۸.۸	۲۳.۲	۲۶۹۲				

منبع: بانک مرکزی ج.ا.

ج: نوسانات نرخ ارز که در ارتباط با شاخص حاشیه نرخ ارز بررسی می‌شود، نشان می‌دهد تا سال ۱۳۵۶ نرخ ارز وضعیت با ثباتی داشته و تغییرات آن اندک بوده است. (جدول شماره ۲). ولی از سال ۱۳۵۷ به بعد نوسانات حاشیه نرخ ارز به صورت فزاینده افزایش یافته و این روند صعودی تا سال ۱۳۷۲ به دلیل اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز و فشار تقاضای بازار افزایش یافته است. تا اوایل سال ۱۳۷۴ که به دلیل شکست سیاست یکسان سازی نرخ ارز و اتخاذ سیاست‌های شدید کنترل نرخ ارز این متغیر اندکی کاهش یافته و مجدداً روی صعودی آن ادامه می‌یابد و از نیمه دوم سال ۱۳۷۶ به دلیل کاهش شدید درآمدهای نفتی، نرخ ارز به صورت فزاینده ای دچار کاهش ارزش می‌شود تا سه ماهه دوم سال ۱۳۷۸ که به دلیل افزایش درآمدهای نفتی امکان پاسخگویی به

نیازهای ارزی کشور، مجدداً روند صعودی نرخ ارز تحت کنترل درآمده و کاهش می‌یابد. از سال ۱۳۸۱ با حذف نرخ‌های مختلف ارزی و اجرای مجدد سیاست یکسان سازی نرخ ارز تا سال ۱۳۸۵ نرخ ارز تقریباً وضعیت با ثباتی داشته و به آرامی افزایش می‌یابد.

۵- پایه‌های نظری مدل

در این مطالعه از مدل سانچز (Sanchez, ۱۹۹۸) برای آزمون عملی فرضیات استفاده می‌شود. یکی از دلایل انتخاب مدل سانچز سادگی تحلیل آن می‌باشد، زیرا مدلی ساده برای بررسی روابط ساختاری موجود میان چند متغیر مهم در اقتصاد طراحی و مورد برآورد واقع می‌گردد. همچنین مدل سانچز علاوه بر بررسی تأثیر شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصادی بر رشد اقتصادی تأثیر انواع مخارج دولت (مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری) بر رشد اقتصادی را هم بررسی می‌کند. براین اساس می‌توان پیشنهادها را لازم را جهت نیل به ثبات اقتصادی ارائه داد.

در این مطالعه به تبعیت از مطالعه سانچز (Sanchez, ۱۹۹۸) به منظور ارزیابی تأثیر شاخص‌های ثبات اقتصادی شامل نرخ تورم، کسری بودجه دولت و حاشیه نرخ ارز در بازار سیاه و انواع مخارج دولت (مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری) بر رشد اقتصادی در ایران، پنج معادله به صورت جداگانه تخمین زده می‌شود. به مانند مدل سانچز در این مطالعه نیز متغیر وابسته در تمامی معادلات نرخ رشد GDP سرانه می‌باشد.

۵-۱- معرفی متغیرهای مدل

GGDPP = نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

INF = نرخ تورم

IGDPP = نسبت سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص به GDP به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

BDRGDP = نسب کسری بودجه واقعی دولت به GDP به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

GXOGW = نرخ رشد صادرات نفت و گاز میلیون دلار تعدیل شده با شاخص قیمت عمده

فروشی کشورهای صنعتی

PREMIUM = تفاضل نرخ رسمی از نرخ بازار سیاه ارز (دلار)

GCONGDP = نسبت مخارج مصرفی دولت به GDP به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

GINVGDP = نسبت مخارج سرمایه‌گذاری دولت به GDP به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶
 DWar, DREV = متغیرهای مجازی مربوط به انقلاب (۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸) و جنگ تحمیلی
 (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷)

۶- برآورد اقتصادسنجی مدل

داده‌هایی که در تخمین مدل مورد استفاده قرار گرفته‌اند، آمارهای کلان می‌باشند. این متغیرها برای دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۲، از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور استخراج شده است. در مقاله حاضر این داده‌ها به صورت واقعی و به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ مورد استفاده قرار گرفته است.

پیش از برآورد رابطه بلندمدت برای الگوی ارائه شده در مقاله حاضر، باید متغیرهای موردنظر از نظر پایانی مورد آزمون قرار گیرند و درجه همجمعی آنها مشخص شود. برای تعیین درجه پایانی از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته^۱ (ADF) و آزمون ریشه واحد پرون^۲ استفاده شده است. بر اساس آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته و فیلیپس پرون، متغیرهای الگو ناپایا بوده و با یک بار تفاضل‌گیری پایا می‌شوند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تمام متغیرهای ناپایای مدل انباشته از درجه واحد I(۱) می‌باشند.

جدول (۳): آزمون دیکی فولر و فیلیپس پرون

متغیرها	ADF		Phillips-perron	
	آماره	نتیجه	آماره	نتیجه
GGDPP	-۴/۴۶	I(۱)	-۷/۳۵	I(۱)
INF	-۶/۱۸	I(۱)	-۶/۳۳	I(۱)
IGDP	-۵/۰۱	I(۱)	-۴/۸۴	I(۱)
BDRGDP	-۳/۲۷	I(۱)	-۹/۴۰	I(۱)
PREMUM	-۵/۱۰	I(۱)	-۵/۰۷	I(۱)
GCONGDP	-۵/۷۸	I(۱)	-۵/۹۳	I(۱)
GINVGDP	-۵/۱۹	I(۱)	-۵/۸۰	I(۱)

۱- Augmented –Dickg Fuller (ADF)

۲- Perron

GXOGW	-۷/۸۹	I(۱)	-۸/۱۸	I(۱)
-------	-------	------	-------	------

منبع: محاسبات تحقیق

مقادیر بحرانی در سطح ۱٪ و ۵٪ و ۱۰٪ به ترتیب ۳/۶۵- و ۲/۹۵- و ۲/۶۱- می‌باشد.

برای انجام آزمون انگل - گرنجر، مدل‌های مورد نظر به روش حداقل مربعات معمولی برآورد شدند. آزمون همجمعی انگل - گرنجر، آزمون ریشه واحد را برای پسماندهای معادلات تخمین زده شده به روش OLS انجام می‌دهد و چنانچه این پسماندها هم جمعی از مرتبه صفر باشند، فرضیه وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها را نمی‌توان رد کرد. نتایج حاصل از این آزمون بیانگر وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها در هر یک از مدل‌های مورد نظر بودند. یکی از ایرادات وارده بر روش انگل گرنجر این است که فرض می‌شود تنها یک بردار، جمعی وجود دارد در حالی که ممکن است بیش از یک بردار، همجمعی وجود داشته باشد. برای رفع این اشکال، یوهانسون (۱۹۸۹) و یوهانسون - یوسیلیوس (۱۹۹۰) روش برآورد حداکثر راستنمایی را برای آزمون همگرایی و استخراج بردارهای، همجمعی کننده پیشنهاد می‌کنند که امروزه یکی از متداول‌ترین روش‌های آزمون همجمعی چندگانه است. در این پژوهش بر اساس نتایج حاصل از آزمون حداکثر مقادیر ویژه و آزمون اثر، در توابع برآورد شده، وجود یک بردار هم انباشتگی در مدل‌های مورد نظر پذیرفته می‌شود؛ بنابراین یک بردار هم انباشتگی تعادلی در میان متغیرهای مورد مطالعه وجود دارد، از این رو استفاده از روش OLS برای تخمین معادلات عاری از مشکل رگرسیون کاذب است. نهایتاً نتایج بلندمدت در جدول شماره (۴) نمایش داده شده است.^۱ همچنین مدل تصحیح خطای (ECM) مربوط به معادلات فوق که برای بررسی انحراف کوتاه-مدت متغیرها از مقادیر تعادلی خود به کار می‌رود (این الگو نوسانات کوتاه‌مدت را به مقادیر بلندمدت آنها ارتباط می‌دهد) در پیوست آورده شده است.

همان گونه که در جدول شماره (۴) ملاحظه می‌گردد پنج مدل به منظور ارزیابی تأثیر شاخص‌های ثبات اقتصادی و انواع مخارج دولت (مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری) بر رشد اقتصادی در ایران برآورد و ارائه شده است. ضرایب برآورد شده، همگی معنادار بوده و دارای

۱- آزمون تشخیص و تبیین (برقراری فرض کلاسیک Heteroskedasticity, white.LM, Reset Ramsey) در

مدلها را تأیید می‌کند.

علامت مورد انتظار می‌باشند.

Archive of SID

جدول (۳): نتایج تخمین بلند مدت معادلات به روش OLS

متغیر مستقل	مدل (۱): کسری بودجه		مدل (۲): نرخ تورم		مدل (۳): حاشیه نرخ ارز		مدل (۴): مخارج مصرفی		مدل (۵): مخارج سرمایه‌گذاری		مدل
	ضریب	خطای معیار	ضریب	خطای معیار	ضریب	خطای معیار	ضریب	خطای معیار	ضریب	خطای معیار	
عرض از مبدا	-۰/۶۵	-۰/۰۳۸	۰/۰۴	۰/۰۲۰	-۰/۶۹	-۰/۰۴۵	-۰/۰۹	-۰/۰۴۰	-۰/۱۴	-۰/۰۹	عرض از مبدا
BDRGDP	-۰/۹۶	۰/۰۳	-	-	-	-	-	-	-	-	BDRGDP
INF	-	-	-۰/۱۲	٪۴	-۰/۶۶	٪۴	-	-	-	-	INF
PREMUM	-	-	-	-	-	۳/۹۳	-	-	-	-	PREMUM
GCONVGDP	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	GCONVGDP
GINVGDP	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	GINVGDP
IGDP	۰/۰۳	۰/۰۱	-	-	۰/۰۳	۰/۰۱	-	-	٪۱۳	٪۴۵	IGDP
GXOGW	٪۸۳	٪۱۹	٪۸۵	٪۱۹	٪۸۱	٪۲۰	٪۸	٪۱۷	٪۵۵	٪۱۸	GXOGW
GXOGW(-1)	۰/۰۳	۰/۰۱	-	-	۰/۰۱	۰/۰۰۶	-	-	-	-	GXOGW(-1)
DREV	-۰/۱۴	٪۳۰	-۰/۱۰	٪۲۷	-۰/۱۳	٪۲۹	-۰/۱۴	٪۳۰	-۰/۱۲	٪۳۱	DREV
DWAR	-٪۹	٪۲۰	-٪۴۹	٪۲۰	-٪۸	٪۱	-٪۴۸	٪۲۲	-۰/۹۱	٪۲۰	DWAR
GCONGDPI(-1)	-	-	-	-	-	-	-	٪۳۹	-	-	GCONGDPI(-1)
GGDPP(-1)	-	-	٪۲۹	٪۱۲	-	-	-	-	-	-	GGDPP(-1)
R ²	٪۸۷	-	٪۷۸	-	٪۸۵	-	٪۷۷	-	٪۸۵	-	R ²
D.W	۱/۸۳	-	۱/۹۴	-	۱/۷۸	-	۲/۱	-	۱/۷۶	-	D.W
F	۱۶/۶	-	۱۷/۶۵	-	۱۸/۰۱	-	۱۴/۸۱	-	۱۷/۶۴	-	F

منابع: محاسبات تحقیق

همان گونه که ملاحظه می‌شود تأثیر کسری بودجه دولت به GDP بر رشد اقتصادی در ایران در بلندمدت و کوتاه‌مدت منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و نشان می‌دهد به ازای یک درصد افزایش در کسری بودجه، نرخ رشد GDP سرانه معادل معادل ۰/۹۶ واحد (نسبت به پایه اولیه آن) کاهش می‌یابد. همچنین ضریب تعیین مدل نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل توانسته است ۸۷ درصد متغیر وابسته را توضیح دهد.

در مدل مربوط به تأثیر نرخ تورم بر نرخ رشد اقتصادی ملاحظه می‌شود که تأثیر تورم (به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصادی) بر رشد اقتصادی کشورمان منفی و معنی‌دار است. معنی‌دار بودن ضریب نرخ تورم نشان می‌دهد که به ازای یک درصد افزایش در نرخ تورم، نرخ رشد GDP سرانه معادل ۰/۱۲ واحد (نسبت به پایه اولیه آن) کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه معادله مربوط به تورم به شکل پویا (با وقفه) می‌باشد آماره h دوربین مورد استفاده قرار گرفته و به لحاظ اینکه این آماره بین محدوده ۱/۹۶ و -۱/۹۶ واقع شده است با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان پذیرفت که خود همبستگی از درجه اول (مثبت و منفی) وجود ندارد.

در مدل مربوط به تأثیر حاشیه نرخ ارز بر نرخ رشد اقتصادی ملاحظه می‌شود که رابطه معکوسی بین حاشیه نرخ ارز و نرخ رشد اقتصادی در بلندمدت وجود دارد و نشان دهنده این است که به ازای یک درصد افزایش در حاشیه نرخ ارز در بلندمدت نرخ رشد GDP سرانه معادل ۹/۴۵ واحد کاهش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت به دلیل اینکه سیاست‌های ارزی دولت به طور مناسب مدیریت نشده متغیر حاشیه نرخ ارز با علامت منفی ظاهر شده است و نشان می‌دهد که بی‌ثباتی در بازار ارز باعث کاهش رشد اقتصادی شده است. عمده‌ترین دلیل تأثیر منفی افزایش اختلاف نرخ-های بازار سیاه و رسمی ارز بر رشد اقتصادی تخصیص نامناسب منابع، افزایش فعالیت‌های غیر مولد و رانت‌جویانه، افزایش ریسک و نااطمینانی در اقتصاد و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عظیم صنعتی، فرار سرمایه‌ها و افزایش تورم می‌باشد.

طی دوره مورد مطالعه تأثیر مخارج مصرفی به GDP بر نرخ رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار بوده یعنی چنانچه GCONCDP یک درصد افزایش یابد رشد اقتصادی ۰/۸۵ واحد کاهش می‌یابد.

همچنین مدل مربوط به تأثیر نسبت مخارج سرمایه‌گذاری دولت به GDP بر نرخ رشد اقتصادی در بلندمدت و کوتاه‌مدت از لحاظ آماری معنی‌دار است. چنانچه نسبت مخارج سرمایه‌گذاری به

GDP یک درصد افزایش یابد نرخ رشد اقتصادی معادل ۰/۶۴ واحد افزایش می‌یابد که نشان دهنده رابطه مثبت بین نسبت مخارج سرمایه‌گذاری دولت و رشد اقتصادی است. در هر یک از معادلات مدل تصحیح خطای برداری، ضریب جمله تصحیح خطا، ضریب $ECM(-1)$ سرعت تعدیل به سمت بلندمدت را نشان می‌دهد که، در معادلات برآوردی این ضریب منفی و کوچکتر از یک و به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

۷- جمع بندی و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه، بررسی چگونگی تأثیر گذاری سه متغیر وضعیت بودجه دولت، نرخ تورم و حاشیه نرخ ارز به عنوان شاخص‌های ثبات اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشور می‌باشد. در این راستا به بررسی شرایط محیط کلان اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۲ پرداخته شده و به این نتیجه حاصل شد که اقتصاد ایران طی سه دهه اخیر بسیار بی‌ثبات بوده و اجرای سیاست‌های دولت از هماهنگی و تناسب برخوردار نبوده است.

نتایج نشان می‌دهد که تأثیر کسری بودجه دولت به GDP بر رشد اقتصادی در ایران در بلندمدت و کوتاه‌مدت منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار است. تأثیر کسری بودجه دولت (که در ایران عمدتاً از طریق مکانسیم‌های دولتی تأمین می‌شود) بر تولید، افت‌های رشد اقتصاد را محدودتر می‌کند. از این رو انضباط مالی و کاهش کسری بودجه دولت یکی از اهرم‌های تضمین‌کننده رشد اقتصادی پایدار در ایران به شمار می‌رود. نتایج برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد که طی دوره مورد مطالعه تأثیر نسبت مخارج مصرفی دولت به GDP بر رشد اقتصادی در ایران منفی و معنی‌دار ارزیابی می‌شود، در حالی که تأثیر نسبت مخارج سرمایه‌گذاری دولت به GDP بر رشد اقتصادی مثبت می‌باشد. بنابراین سیاست‌گذاران در راستای هدف کاهش کسری بودجه دولت بایستی راه حل کاهش مخارج عمومی را برگزینند، در این صورت کاهش مخارج دولت (نظیر صرفه‌جویی در هزینه‌های زاید اداری و غیره) توصیه می‌شود اما به دلیل شرایط ویژه‌ای که از جهت فرایند رشد اقتصادی در کشور حاکم است سرمایه‌گذاری دولت لازمه بازسازی اقتصادی و امور زیر بنایی جهت افزایش تولید و توسعه اقتصادی بوده و کاهش سرمایه‌گذاری دولت می‌تواند سبب عقب افتادگی و رکود در اقتصاد ملی شود.

تأثیر تورم بر نرخ رشد اقتصادی طی دوره مورد مطالعه در بلندمدت و کوتاه‌مدت منفی و معنی‌دار است. در سال‌های اخیر بانک‌های مرکزی در بسیاری از کشورها کنترل تورم را هدف نهایی سیاست‌های پولی خود قرار داده‌اند. این تمایل در واقع مبین تغییری در نگرش سیاست‌گذاران پولی است که سابق بر این بدون توجه به تأثیرات زیان‌بار تورم بر رشد اقتصادی، سیاست پولی را در جهت تشویق تولید به کار می‌بستند. این علاقه و تمایل بدون شک ناشی از هزینه‌هایی است که تورم بالا بر بیکره اقتصاد وارد می‌کند. همچنین با تخمین معادله مربوط به تأثیر حاشیه نرخ ارز بر رشد اقتصادی این نتیجه به دست آید که افزایش اختلاف نرخ‌های بازار سیاه ارز و رسمی ارز تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در ایران دارد. عمده‌ترین دلیل تأثیر منفی افزایش اختلاف نرخ‌های بازار سیاه و رسمی ارز بر رشد اقتصادی تخصیص نامناسب منابع، افزایش فعالیت‌های غیرمولد و رانت‌جویانه، افزایش ریسک و نااطمینانی در اقتصاد و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عظیم صنعتی، فرار سرمایه‌ها و افزایش تورم می‌باشد.

از آنجایی که نتایج این تحقیق بیانگر تأثیر منفی هر سه شاخص اقتصادی در ایران می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که بی‌ثباتی اقتصادی یکی از عواملی است که افق‌های رشد اقتصادی را در کشور محدود می‌کند. از این رو پایدارسازی اقتصاد کلان یک شرط لازم برای حصول به نرخ‌های رشد اقتصادی بالا در کشورمان می‌باشد.

اتکا به یک الگوی اقتصادی بدون نفت که مورد تأکید مقامات ارشد مملکتی بوده است از زوایه نوسان‌زدایی رفتار بخش عمومی در اقتصاد نیز قابل توجه است.

لازم است کنترل تورم به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف قرار گرفته و سیاست‌های اقتصاد کلانی که نرخ تورم را کاهش دهد و یا از آن اجتناب کند در صدر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی قرار گیرد.

از این رو اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصاد کلان در جهت کاهش اختلاف بین نرخ‌های بازار سیاه رسمی ارز در جهت دستیابی به هدف رشد پایدار اقتصادی از دیگر توصیه‌های این تحقیق می‌باشد.

References:

- [۱] Central Bank of the Islamic republic of Iran, Economic Examinations Bureau, "Economic Report and Balance Sheet of the Central Bank of the

- Islamic Republic of Iran**". (in Persian).
- [۲] Darrat, Alife and M. Osman Suliman. (۱۹۹۲). **"Real Deficit and Real Growth Some Further Results"**. Journal of Post Keynesian Economic, Vol . ۱۵, NO. ۱.
- [۳] Dehaan, J . and Jan Eggherd Sturm (۱۹۹۵). **"New Evidence Using Long – Run Date"**. Applied Economic letters.
- [۴] Eisnre, Robert. (۱۹۸۹). **"Budget Deficit: Monetary and Reality. Journal of Economic Perspectives"**, Vol ۳. pp۷۳-۹۳.
- [۵] Esmihauns Mustafa.(۲۰۰۳). **"Macroeconomic Instability. capital Accumulation and Growth, the Case of Turkey (۱۹۶۳-۱۹۹۹)"**.
- [۶] Fisher, S. (۱۹۹۳). **" the Role of Macroeconomic Factors in Growth. Journal of Monetary Economics"**. vol: ۳۲ , pp: ۴۸۲ – ۵۱۲.
- [۷] Gorgi, E., and Madani, SH, (۲۰۰۳), **" The role of Economic stability with Method of system concurrent transactions On Economic Growth in Iran"** ,Journal of Research Commerce, No. ۲۸(in Persian)..
- [۸] Had Jimiichael , M, D. Ghura ,M. Mubleisen.R. Nord and M. ucer, (۱۹۹۴). **"Effects of Macro Economic Stability on Growth, Saving and In Subsahran Africa"** ,IMF Working Paper , wp/ ۹۴/۹۸,pp: ۱-۱۱۰.
- [۹] Hashemi Sahi, S, (۱۹۹۷). **"The effects of budget deficits on key macroeconomic variables"**, MA Tabatabai University. (in Persian).
- [۱۰] Kormendi , R . and P. Meguiree. (۱۹۸۵). **" Macroeconomic Determinant of GROWTH, Journal Monetary Economics"**, vpl : ۱۶, pp: ۱۴۲-۶۳.
- [۱۱] Lameei, B. (۲۰۰۵), **" a look at the definition of deficit spending and trends in the period(۱۹۷۹-۱۹۸۳)"**, Journal of the House and Research, ۱۲th year, No. ۴۷. (in Persian).
- [۱۲] Mousavi Azad Kasmaei,A, (۱۹۹۸), **" examination the relationship between budget deficits in the years ۱۹۶۳ to ۱۹۹۶"**, MA thesis of Alzahra University. (in Persian).
- [۱۳] Razavi Zadeh, M. (۲۰۰۴), **"Experimental study of the relationship between budget deficits and economic growth in Iran"**, MA thesis Tehran University. (in Persian).
- [۱۴] Sanchez, B. (۱۹۹۸). **" Macroeconomic Stability and Economic Growth: the Case of Spain"** , Applied Economic Letters, Vol :۵, pp: ۵۸۷-۹۱

Received: ۲۷ Apr ۲۰۱۱

Accepted: ۲۶ Dec ۲۰۱۱